



زمستان پاییزی برهانی مرنـد

گروه ادب و هنر | نادر برهانی‌مرند پس از سال‌ها غیبت در صحنه تئاتر امسال حضور فعالی داشته

است و حالا پس از اجرای موفق «مرگ فروشنده» در تئاترشهر به تماشاخانه ایرانشهر آمده است تا با اجرای نمایش «پاییز» رونق دوباره‌ای را با کار او شاهد باشیم. استقبال از این نمایش باعث شده است تا برهانی‌مرند فردا جمعه ۲۴ بهمن در دو سانس روی صحنه ببرد. برهانی‌مرند در «پاییز» داستان دو برادر با نگاه متفاوتی را روایت می‌کند که یکی اهل جبهه است و دیگری جامانده از دو کوهه. نمایش «پاییز» در بیستمین جشنواره بین‌المللی تئاتر فجر (سال ۸۱) موفق به دریافت جایزه کارگردانی توسط برهانی‌مرند، متن (برهانی‌مرند) و بازیگری مرد (امیر جعفری) شده است.

کافه تئاتر

دعوت به دیدن نمایش «دل‌م می‌خواهد دستت را بفشارم»

ماجراهای زنگ‌نمایش



این طرف و آن طرف شهر را اگر سرک بکشیم گروه‌هایی هم هستند که در تماشاخانه‌های خصوصی مشغول اجرا هستند. گذارم به تماشاخانه استاد مشایخی می‌افند و قرار است نمایش «دل‌م می‌خواهد دستت را بفشارم» به کارگردانی محمد طایفه افتتاح شود. نمایشی که تلفیقی است از چند نمایش هارولد پینتر. زنگ افتتاح نمایش را هوشنگ قوانلو می‌زند. اما زنگ غیرحضورى نواخته می‌شود. پیشتر خبر رسیده که قوانلو به دلیل سکته مغزی در بیمارستان بستری است و همین است که بچه‌های این نمایش به عیادتش رفته‌اند و او هم پیامش را ضبط کرده و تصویر و صدای قوانلو در صحنه پخش می‌شود. قوانلو گفت پیش از آنکه او زنگ نمایش را به صدا در بیاورد عزرائیل می‌خواست‌ه زنگ او را بزند که موفق نمی‌شود. نکته دیگر حضور عزت‌الله مهرآوران است که او هم به صحنه دعوت می‌شود تا به‌عنوان یک پیشکسوت در روز اول اجرا همراه گروه باشد. البته مهرآوران گله‌های خودش را هم داشت و گفت سه سال است که به هیچ متنی از او اجازه اجرا نداده‌اند. با این همه نمایش شروع می‌شود. گروهی جوان که نمایشی را در چهار اپیزود اجرا می‌کنند. اپیزود اول با عنوان «زبان پشت کوهی» است، اپیزود دوم «پیک آخر»، سوم «نظم نوین جهانی» و چهارم «ایستگاه ویکتوریا» نام دارد. با همه این‌ها هنوز در شب اول اجرا گروه نتوانسته هماهنگی‌های لازم را داشته باشد اما موضوع‌هایی که انتخاب شده و در کنار هم قرار گرفته نمایش را جذاب می‌کند.

اپیزودها فراز و فرودهای کیفی خودشان را دارند و بازی‌های بازیگران هم با همان فراز و فرودها می‌تواند مخاطب را راضی از سالن به بیرون بفرستند. اما شاید مهم‌ترین حسنی که این نمایش و نمایش‌هایی از این دست دارد این است که می‌تواند راهگشای گروه‌های جوان باشد برای بهتر دیده شدن. وقتی سالن‌های نمایشی بزرگ ایران نمی‌توانند پاسخگوی نیازهای خیل عظیم تئاتری‌های تهران باشند، چنین سالن‌هایی می‌توانند در معرفی استعدادهای تئاتری جدید کمک کنند. چند بازیگر در این نمایش با بازی‌های متفاوت در اپیزودهای مختلف بازی‌های قابل قبولی ارائه دادند. این نمایش هر شب به جز شنبه‌ها ساعت ۲۰:۳۰ در تماشاخانه استاد مشایخی روی صحنه می‌رود.

یادداشت

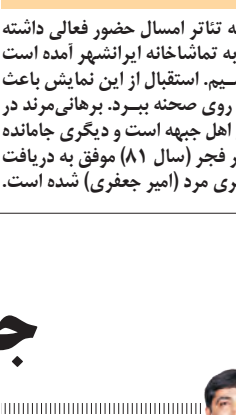
درباره مجموعه داستان «شیشه‌های مشجر» بهزاد شبیانی

برش‌های ناتمام از زندگی

علی‌حقره | «شیشه‌های مشجر»، شامل سیزده داستان کوتاه و نخستین مجموعه منتشر شده از بهزاد شبیانی است. شبیانی، زاده تهران است و پرورده برچرند، تحصیل کرده اصفهان و ساکن مشهد. اغلب آدم‌های داستان‌هایش، یا در حسرت از دست‌رفته‌ها می‌سوزند، یا نگران از دست‌رفتنی‌ها هستند، یا مردد، بر سر دو راهی ماندن و رفتن، یا به پا می‌کنند. به همین خاطر تمام داستان‌های «شیشه‌های مشجر» به نوعی ناتمامند. اصلا انگار شروع نشده‌اند که تمام شوند. این ناتمامی، فی‌نفسه «پایان‌بندی باز» را نیز می‌طلبد که هر چند در داستان‌های «پنهان زیر لاک» و «آب‌بازی»، چندان محکم و قوی نیست، اما باقی داستان‌ها پایان‌بندی قابل‌قبولی دارند. ماجراها در فاصله زمانی یک تا چند ساعته روایت می‌شوند. شبیانی با پرهیز از دستمایه قرار دادن بازی‌های زمانی؛ هوشمندانه، تکه‌ای کوچک از هر زندگی را جدا کرده و با دقت و حوصله، به توصیفش نشست‌ه و با ایجاد نوعی وحدت زمان- مکان در روایت، اجازه تمرکز بیشتری را به مخاطب می‌دهد تا بتواند بی‌قطعاً و یک نفس ماجرا را دنبال کند. تأثیر اهمیت رعایت این پیوستگی و توالی بی‌وقفه رویدادها، در داستان‌های «پنهان زیر لاک»، «خورشید عصر گاهی»، «شکار» و خصوصاً «پیار باران» و «قهوه ترک...» مثال‌زدنی است. از سوی دیگر، شاید همین خصیصه، توأم با نگاه خاص و بسته نویسنده به رویدادها و روابط، از زاویه‌ای به‌شدت شخصی و تنگ باعث شده پس‌زمینه‌ای تکراری و ثابت، با مفهوم بیهودگی و عجز و ناامیدی، ترجیع‌بند درونی داستان‌های این کتاب باشد. تکراری که نوعی یکنواختی نگرشی/موضوعی را در ذهن مخاطب تداعی می‌کند و از پس تمام تفاوت‌های ساختاری و محتوایی و تمام فـراز و فرودها، دامنآ «همان شخصیت» را می‌بینند که در موقعیت‌های مختلف در نهایت «همان گونه» می‌اندیشد و رفتار می‌کند. انگار که نویسنده، نتوانسته باشد، خودش را از درون آدم‌های داستان‌هایش کاملاً بیرون بکشد. نثر و لحن داستانی مجموعه، ساده و صمیمی و خوشخوان و به دور از تکلف و لکت و پیرایه‌های زبانی است؛ چنانکه در نگاه اول، شاید داستان‌ها سطحی و فاقد عمق به نظر

بیایند. اما با کمی توجه بیشتر، به خوبی می‌توان عنصر ایجاز و اختصار و همچنین اشاره‌ها و نشانه‌های معنایی را از پس این سهل متنع، تشخیص داد. این نمادها، گاه همچون داستان «زم‌های چرکین»، آنچنان برجسته‌اند که به ورطه سمبولیسم محض می‌افتند و گاه چونان داستان‌های «میان‌بر»، «خورشید عصر گاهی» و «اندان شبیری» آنقدر بطنی در تار و پود قصه تنیده شده‌اند که نامرئی می‌نمایند و برای کشف‌کردن‌شان باید از خود نویسنده یاری گرفت. مهارت شبیانی در تصویرسازی‌های ملموس و بیان رفتارها و خصلت‌ها و تحولات و موقعیت‌های خاص و ظریفی که مستودنی است؛ خاصه که این همه را با کمترین و کوتاه‌ترین عبارات شرح می‌دهد. حتی گاهی آنقدر زیاده‌روی می‌کند که داستانش بیشتر به یک سکانس دکوپاژ شده از یک فیلمنامه شبیه می‌شود، تا داستان. از دیگر نقاط قوت نویسنده، توجه و تسلطش بر «گفت‌وگونیسی»ست و اتفاقاً حجم قابل اعتنایی از اطلاعات و جزئیات داستانی را از خلال همین مکالمات به خواننده منتقل می‌کند. مکالماتی ساده و گاه به‌شدت موز و مختصر. راوی – چه اول شخص، چه دانای کل – منصف است و تنها آنچه را می‌بیند، روایت می‌کند؛ نه قضاوتی می‌کند و نه سعی در القای حس و حالی خارج از آنچه هست دارد. همه اینها منجر به خلق اتمسفری می‌شوند که خواننده را دربر می‌گیرد؛ راوی کم‌کم در متن استحاله می‌یابد و دیگر حضورش حائل نیست. تو گویی مخاطب خود بی‌واسطه روایت را می‌بیند و می‌شنود. داستان‌های «شیشه‌های مشجر» به لحاظ کیفی برابر نیستند. در «هستی» سکوت و انفعال دکتر و تک‌گویی بی‌وقفه مرد آنقدر طول می‌کشد که لطف تعلیق و گرهِ‌گشایی انتهای کار از بین می‌رود. در «آب‌بازی»، مقدمه‌ای درخشان، در کسالت و نامربوطی تکه دوم کم می‌شود و در «خورشید عصر گاهی»، شخصیت‌ها نیاز به پرداخت بیشتری دارند.

#



حسن محمودی h.mahmoodi@fdn.ir

دیروز با برگزاری مراسم اختتامیه در کاخ جشنواره، سی‌وسومین دوره جشنواره فیلم فجر هم به پایان رسید و سیم‌غ‌ها بنا بر صـلحت‌ها و سـلیقه‌ها و آرای داران بین عده‌ای از سینماگران تقسیم شد. طبق معمول هم عده‌ای خوشحال شدند و جماعتی ناراضی و دلخور که لابد در روزهای بعد گله‌های‌شان را به شکل‌های مختلفی رسانه‌ای خواهند کرد. اما فارغ از اعلام نتایج و چند و چون تقسیم سیم‌غ‌ها، بیرون از فضای مرسوم و معمول اختتامیه، اختلاف‌نظر بین منتقدان و مخاطبان در دو عبارت خلاصه می‌شد؛ اینکه سی‌وسومین دوره، جشنواره فیلم‌های «متوسط» بود یا فیلم‌های «ضعیف». بحث و جدل‌ها درباره سی‌وسومین دوره از جشنواره سینمای ایران بیشتر حول همین نکته بود. در این نکته هم به‌طور تقریبی اجماع بود که فیلم خوب و شاخصی در جشنواره به نمایش درنیامده است. معلوم می‌نیست که با حضور فرضی چند فیلمی که در جشنواره به نمایش درنیامدند، اوضاع چندان تغییر می‌کرد. شواهد نشان می‌دهد حتی اگر آنها هم بودند، اتفاق خاصی را شاهد نبودیم. بنابر اظهارنظرهای منتقدان و مخاطبان نخبه‌تر، برآیند فیلم‌هایی که در جشنواره امسال به نمایش درآمد، آن چیزی نبود که نوید سینمایی خلافت‌ان و رو به جلو را بدهد. این مسـالـه حتی در فیلم‌های بخش نگاه نو و هنر و تجربه هم مشهود بود. فیلمسازان جشنواره امسال حتی قیاس با کارهای قبلی‌شان هم فیلم بهتری نـسـاختـه بودند و با کارهای خوب‌شان فاصله زیادی داشتند. این نکته درباره کارگردان‌های صاحب‌نام مشهودتر بود

ادب‌وهنر

پنجشنبه ۲۳ بهمن ۱۳۹۳ | ۲۲ ربیع‌الثانی ۱۴۳۶ | ۱۲ فوریه ۲۰۱۵ | شماره ۱۵۹۶

آسیب‌شناسی سی‌وسومین جشنواره فیلم فجر

جشنواره «متوسط»‌ها یا «ضعیف»‌ها؟



دارد که اغلب فیلم‌های جشنواره امسال در فیلمنامه ضعیف‌های مشهود داشتند و آنهایی هم که فیلمنامه‌های به نسبت بهتری داشتند، فاقد عنصر مهم اندیشه بودند. اغلب فیلم‌های جشنواره سی‌وسوم رویکردی اجتماعی داشتند و نقطه‌ضعف‌شان ناشی از نگاه سطحی و ژورنالیستی‌شان است. اما این چند فیلمی که قابل‌تاملند و دربارـه آنها عبارت «بد نبود» یا «خوب بود» را به کار می‌برند، فیلم‌هایی هستند که بنابر تجربه زیستی سازندگان‌شان تعدد در شکل‌دهی به دنیای خاصی را داشته‌اند. به‌طور مشخص می‌توان به فیلم‌های «در دنیای تو ساعت چند است؟» صغی یزدانیان، «احتمال باران اسیدی» بهنام بکتاش، «روز مبادا» فائزه عزیزخانی،

«کوچه بی‌نام» هاتف علیمردانی، «یحیی سکوت نکرد» دانه ابراهیم‌پور، «من دیه‌گو مارادونا هستم» بهرام توکلی و «اعتراقات ذهن خطرناک من» هومن سیدی اشاره کرد. هر پنج فیلم تلاش داشته‌اند تجربه‌های شخصی‌شان را وارد سینما کنند و منتقل‌کننده نگاه و جهان بینی خاصی باشند. این فیلم‌ها در ساخت

اغلب فیلم‌های جشنواره امسال در فیلمنامه ضعیف‌های مشهود داشتند و آنهایی هم که فیلمنامه‌هایی به نسبت بهتری داشتند، فاقد عنصر مهم اندیشه بودند

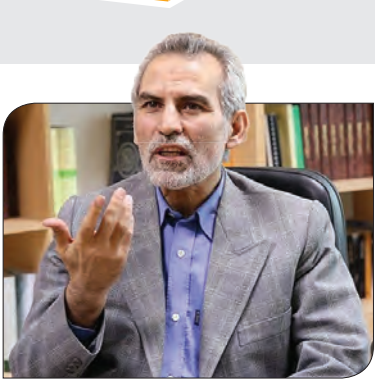
علت برکناری رئیس اداره کتاب ارشاد اعلام شد

تخلف در انتصاب شجاعی صائین

گروه ادب و هنر | همان روزهایی که احتمال انتصاب علی شجاعی‌صائین به مدیریت دفتر توسعه کتاب و کتابخوانی را برخی رسانه‌های وابسته به دلوپاسان و اصولگرایان تندرو منتشر کردند، برخی از رسانه‌های منابر نسبت به این انتخاب هشدار دادند و ابراز نگرانی کردند. شجاعی‌صائین در دولت احمدی‌نژاد، مدیر موسسه خانه کتاب بود و با انتصابش به مدیریت دفتر توسعه کتاب و کتابخوانی، یاران نزدیک به خود را از آن موسسه به محل ماموریت جدیدش منتقل کرد. از همان اوایل نیز اختلافات بین موسسه خانه کتاب و مدیریت دفتر توسعه کتاب و کتابخوانی مشهود بود و حتی در جاهایی منجر به جابه‌جایی‌هایی در این مرکز شد که از آن جمله می‌توان به سپردن جایزه جلال آل‌احمد و شعر فجر به بنیاد شعر و ادبیات داستانی اشاره کرد.

نمونه دیگر نیز محول و بر گزار کردن هفته کتاب به اداره ارشاد تهران بود که پیش از این موسسه خانه کتاب عهده‌دار آن بود. برخی این جابه‌جایی‌ها را مربوط به اختلافات بین مدیران سیدعباس صالحی می‌دانستند تا اینکه به ناگهان رئیس موسسه خانه کتاب برکنار و غلامی جلسه عهده‌دار این سمت شد. در حالی که گمان می‌رفت شجاعی‌صائین از قدرت

گزارش



آن را تـکـذیب می‌کنم.» با این تکذیب‌ها بود که رسانه‌ها کنجکاو شدند پیگیر ماجرای تخلف انجام شده از سوی شجاعی‌صائین باشند. با این پیگیری بود که مشخص شد دیوان محاسبات حدود یک ماه و نیم پیش طی نامه‌ای به این وزارتخانه، فعالیت علی شجاعی‌صائین به‌عنوان مدیرکل در دفتر توسعه کتاب را غیرقانونی اعلام کرده بود و چون بازنشسته بوده دیوان محاسبات به فعالیت او به‌عنوان «مدیرکل» ایراد گرفته است. این موضوع را علی‌اصغر کاراندیش مـرستـی، معاون توسعه مدیریت و منابع وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی گفته است. شجاعی‌صائین بازنشسته سپاه است و دیوان محاسبات هم مطابق قوانین استخدای این تصمیم را در مورد او اتخاذ کرده است.

امضای حکم مدیرکل اداره هنرهای نمایشی

شفیعی و روزهای سخت تئاتری



فرهیختگان | علی جنتی، وزیر فرهنگ و گیسبون روی صندلی کارگردانی بنشینند نتیجه‌اش این می‌شود که همه دل‌شان می‌خواهد امتیاز پخش این فیلم را بخورند. جشنواره برلین این روزها در حال برگزاری است و در کنار همه فیلم‌هایی که بخش می‌شود حضور در بازار فروش حال‌وهوای خودش را پس از سال‌ها دارد. مالی ادارات کل فرهنگ و ارشاد اسلامی استان‌های البرز و خوزستان و معاون مدیرکل اداره هنرهای نمایشی را در کارنامه کاری‌اش داشته و فارغ‌التحصیل کارگردانی تئاتر در مقطع کارشناسی ارشد است. او پیش از این به‌عنوان مشاور مطالعات و برنامه‌ریزی معاون امور هنری وزیر ارشاد منصوب شده بود. شفیعـی روزهای پرچالشی را در تئاتر ایران پیش رو دارد، بر همین اساس مهدی شفیعـی در قامت بالاترین مقام اجرایی تئاتر باید برنامه‌های خودش را با همه نارضایتی‌هایی که تاکنون وجود داشته، پیش ببرد.

فرهیختگان

www.Farheekhtegan.ir

Thu | 12 Feb 2015 | vol.06 | No. 1596

کافه کتاب



عشق و دیگر هیچ

نویسنده: الکساندرا کلاتای

مترجم: مهدی غبرایی

گروه ادب و هنر | به تازگی رمان کوتاهی با ترجمه مهدی غبرایی منتشر شده است که مترجم درباره آن می‌گوید: ««عشق و دیگر هیچ» که عنوان اصلی آن «عشق بزرگ» است، نوشته الکساندرا کلاتای، از همکاران حزبی لنین است که مغضوب استالین شد و او را به ماموریت سفارت روسیه شوروی در فنلاند فرستادند. کلاتای دور از وطن چند داستان بلند و کوتاه و مقالات تحقیقی نوشت. رمانک تحت همین عنوان آمده است. این لنین و یکی دیگر از همکاران حزبی او در جریان فعالیت‌های سیاسی است. کتاب را ازدهای طلائی، از مجموعه کتابسرای نیک و چتر درآورده است. دوستان گرمایی توجه دارند که این هم از کتاب‌های مطلق مانده از سال‌های ۸۸ و ۸۹ است.»

چهره



گروه ادب و هنر | رئیس سازمان صدا و سیما در روزهای آخر سی‌وسومین جشنواره فیلم فجر به کاخ جشنواره رفت تا به تماشای فیلم «مبارک» به کارگردانی محمدرضا نجفی بنشیند. خبرنگاران هم از این فرصت استفاده کرده‌اند تا نظر او را درباره سینمای ایران و جشنواره سی‌وسوم جویا شوند. سرافراز درباره فیلم «مبارک» به آنها گفته است: «هنر امروز ما با وجود همسرودن با نیازهای روزمره جامعه از عقبه خود فاصله گرفته است و تولید چنین فیلم‌هایی که ما را به گذشته خود پیوند می‌دهد باید بیشتر مورد توجه قرار گیرد. مبارک علاوه‌بر روایت‌آشنایی از آیین‌ها و سنن نمایش ایرانی با رجوع به داستان‌های رستم و سهراب، مخاطبان خود را به فضایی برد که برای آنها جالب‌توجه بود به‌ویژه اینکه این فضا در ادغام تصاویر واقعی سینما و هنر انیمیشن و سنت در ارتباط‌گیری با مخاطبان موفق‌تر عمل کند.»

سرافراز به این هم اشاره کرده است که رصد همکارانش و اطلاعاتی که در اختیار او قرار داده شده است «نشان‌دهنده این مهم است که جشنواره فیلم فجر امسال توانست یک گام رو به جلو بردارد.» سرافراز با تأکید بر آنکه رادیو و تلویزیون خانه فعالان و دست‌اندرکاران سینماست، گفته است: «بنا داریم حمایت‌های خود را از دست‌اندرکاران هنر هفتم افزایش دهیم و البته این درخواست از سوی سینماگران و مسئولان نیز مطرح شده و افتخار داریم که در این تعامل همراه هنرمندان متعهد و انقلابی سرزمین‌مان هستیم.» پیشتر حجت‌الله ایوبی، رئیس سازمان سینمایی با اشاره به تغییرات صورت‌گرفته در بدنه مدیریت سازمان صدا و سینما از توسعه همکاری‌ها میان این دو سازمان فرهنگی و اثربخشش در جریان اجتماعی و هنری خبر داده بود.